

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: محمد رحیم افضلی

۱۳ سپتمبر ۲۰۱۱

پاکستان

عمق ستراتی منطقه ئی انگلیسها در انتقام از

افغانستان

۸

امریکا در گرداب بازی بزرگتر :

در قسمت دوم سناریوی بزرگ تاریخ، هم پیروزی افغانستان و هم موفقیت امریکا زیر سؤال رفته منتفی می شود. مهمتر اینکه محوریت پاکستان هم متحول می گردد! جالب این است که بازی گر اصلی همان بازی گر قبلی بوده است که با میکانیزم و تاکتیک جدید اعمال نظر می کند.

مصیبت بزرگتر از آن این است که چرا امریکای که مدعی زعامت جهانی است با وجود این همه توانمندی و پیشرفت، همانند شوروی در برابر عمل انجام شده تشکیلات مرموز و پیچیده پشت پرده پاکستانی ها قرار گرفته است که ماحصل آن، ویرانی افغانستان جنگ زده، بدنامی مجاهدین فاتح، تنفر ملل دنیا نسبت به امریکا، دشمنی با اسلام و هکذا گسترش تروریسم، تقویت القاعده، تثبیت طالب و شبکه های مافیائی در يك کلام شکست امریکا از قدرت آنها توسط افغانها در محوریتی به نام پاکستان و رهبری انگلیسها با امکانات عربستان و سایر کشورها شده و می شود!

از آنجائیکه بازی گر اصلی تجربه و شناخت مبتنی بر جامعه شناختی منطقه به خصوص پاکستان را دارد، می داند که از فاکتورهای موجود و پتانسیل های ممکن چگونه استفاده کند.

بدون شك كه شكستاندن غرور و عظمت مجاهدين فاتح همراه با موفقيت امريكا و هكذا تضعيف محوريت پاكستان، قسمت دوم سناريوي بزرگ تاريخ است كه مهره ديگري چون غلام اسحق خان و يا افرادي ديگري لازم دارد !

روي كار شدن غلام اسحق خان همراه با فعل و انفعالات داخلي پاكستان در رابطه حزب مردم و انتخاب بي نظير بوتو و هكذا تعيين اشرف لغاري به عنوان رئيس جمهور و وزراي مثل بابر كه سابقه قادياني و انگليسي داشتند بستري را براي تخريب دولت اسلامي افغانستان من جمله مجاهدين غير وابسته به شبكه هاي آي، اس، آي به وجود آورد. كه امريكا را پريشان و مضطرب مي نمود!

اضطراب، شك، دولتي و نگراني امريكا نسبت به مجاهدين و دولت اسلامي افغانستان كه ناشي از فعاليت آي، اس، آي پاكستان بود امريكا را عملاً در برزخ سياسي في مابين افغانستان و پاكستان قرار داد. دقيقاً چيزي كه انگليسيها منتظر آن بودند!

راه اندازي گروهكي به نام طالبان ديني همراه با شعار صلح و امنيت آن هم توسط بابر قادياني وزير داخله پاكستان و همكاري وزارت خارجه آنديار، كابل را كه محور مقاومت و جهاد و گفتمان سياسي بود هدف اصلي قرار داده قندهار را در مي نوردند!

جالب اينجاست كه در جاي جاي کشور ما با استقبال همان فرزندان ناخلف و بقايای وابسته به خودشان روبرو می شوند!

دليل آنهم واضح است و آن اينكه باب ورود انگليسيها در افغانستان همواره مذهب و عاملان آن هم اكثراً ملاها و مولوي هاي مذهبي و سنتي هاي بومي بوده است كه نسبت كارآئي آن در بين اقوام و قبائل پشتون ها بيشتر از ديگران به چشم خورده و مي خورد!

انتخاب نام طالب همراه با استخدام مولوي هاي مدارس ديني پاكستان و افغانستان به نام صلح و امنيت متناسب به شريعت اسلامي حساب شده و تاكتيكي انتخاب شده است! انگليسيها با علم به ساختارهاي منطقه ئي و اين كه اكثر مردم در اين وادي ابتداء عمل مي كنند و بعد فكر! با ظواهر ديني و مذهبي وارد ماجرائي شدند كه نيازي به تفكر و تعقل نداشته باشند! مگر نه اين است كه مي گويند: "افغانها كرايه مي شوند اما خريده نمي شوند!"

چنانچه دو هفته نامه انگليسي زبان چاپ كانادا به نام كرسنت انترنشنال به نقل از يك صاحب نظر علوم سياسي مي نويسد: در افغانستان مي بايد تلاش نمود تا ملاها و مولوي ها بقدرت برسند!

واقعيت اين است كه در ذيل حكومت آنها منافع دراز مدت انگليسيها تضمين و تثبيت مي شود!

مگر نه اينكه انگليس متظاهر به لباس ملا چندين سال امام جمعه يكي از مساجد بزرگ كابل بود!

جالب اين است كه نظريه پرداز فوق بر خلاف نظرش، در مورد ايران مي نويسد كه نگذاريد كه آيت الله ها در ايران به قدرت برسند!

به هر صورت استقبال مردم به ستوه آمده از جنگ هاي كور و بي هدف داخلي في مابين احزاب سياسي جهادي و هكذا امنيت به ظاهر مردمی طالبان در قندهار همراه با سر و صدای تبلیغاتی، بخشی از نقشه انگلیسی ها بوده تا امريكا را اغفال نموده در دامی كه تدارك ديده بودند بيندازند! كما اين كه انداختند!

امريكا قبل از اين كه به سرنوشت بدتر از اين مبتلا گردد نيازمند به بازنگري دقيق تر از اين دارد. بازنگري كه عوامل مبتلا به امريكا را در رابطه با قضايای منطقه مورد بررسی قرار داده كه چرا و چگونه موفقيت در حال رشد و گسترش امريكا همراه با حسن نيت مردم افغانستان اين گونه تبديل به شكست، بدنامی و ناکامی گردیده است!

این نیست مگر اجرای قسمت دوم سناریوی که در راستای اهداف تشکیلات نامیمون و پیچیده پاکستانی های انگلیسی تبار و انگلیسی های به ظاهر پاکستانی رقم خورده و می خورد

در این قسمت هم افغانستان پیروز و هم امریکای موفق هر دو در يك سرنوشت مبتلا شده و می شوند ! خیلی عجیب است که سیاسيون امریکا هنوز هم فکر نمی کنند که چرا و چگونه موفقیت شان این گونه به بازی گرفته شده است! در حالی که می توانستند موفقیتی و موقعیتی بهتر از این داشته باشند. به نظرم سرنخ اصلی آن چیزی، جز تبعیت کردن از سیاسيون پشت پرده پاکستان که همانا انگلیسهای کهنه کار است هدایت و رهبری می شوند، نیست.

یکی از شگردهائی که هم ملت پاکستان و هم امریکا را اغفال نموده و می نماید، طرح تفکر و اندیشه ای است مبنی بر این که سرنوشت پاکستان در آینده نه چندان دور به طرف سرنوشت افغانستان می رود و این چیزی نبوده و نیست جز تشویق، ترغیب و توجیه دخالت مستقیم امریکا در افغانستان و بهانه به خاطر سکوت مردم پاکستان ! وجود نیروهای القاعده، طالب، تروریسم، مواد مخدر و غیره که خود ساخته و پرداخته آنها بوده است به عنوان عوامل تشدید و یا تهدید در سناریوی بزرگتر پاکستانی های انگلیسی تبار و انگلیسی های به ظاهر پاکستانی خود بستری است که سرنوشت افغانستان را به طرف سرنوشت پاکستان می برد! نه این که سرنوشت پاکستان را به طرف افغانستان!

طرح این که سرنوشت پاکستان به طرف سرنوشت افغانستان می رود کاملاً غلط انداز سیاسيون پشت پرده پاکستانی ها بوده تا مردم پاکستان را نسبت به امریکائی ها حساس و امریکا را نسبت به افغانها بدبین ساخته و خود وارث موفقیت امریکا گردد!

پاکستانی ها به تبعیت از ارباب شان انگلیسها نسبت به افغانها به خصوص پس از پیروزی مجاهدین برخورد دو گانه توأم با ریاکاری را اعمال نموده و می نمایند. به این عبارت جایی که امکان خطر ناشی از شوروی قدرتمند احساس می گردید افغانها را به عنوان مجاهد، شجاع، دلاور و جنگ جو، گوشت دم توپ جلو انداخته و نابود می نمودند! اما همین که خطر شوروی و یا هر کسی دیگر منتفی می گردد نه تنها سیاست شان عوض می گردد که در راستای تضعیف دولت و ویرانی افغانستان پرداخته و می پردازند!

زیرا افغانستان ضعیف و متفرق را باعث قدرتمند شدن دولت و آبادانی پاکستان می دانند. بناءً امریکا را زیرکانه وارد ماجرائی کردند که نهایت آن منافع مشترک سیاسی و اقتصادی انگلیسها و پاکستان را در پی داشته و دارد. پاکستانی های انگلیسی تبار و انگلیسی های به ظاهر پاکستانی با استفاده از طرح فوق در يك بازی دو گانه هم دولت بر خاسته از بستر جهاد و مقاومت را به ظاهر حمایت و هم مخالفین دولت را تشویق، تمویل، حمایت و تحریک می نمود! مضافاً نسبت به تداوم همکاری های امریکا و سایر کشورهای اسلامی در رابطه با دولت نوپای اسلامی افغانستان مخالفت می نمودند !

جالب است که دست اندرکاران پشت پرده پاکستان هم امریکا را در رابطه با افغانستان آسیب پذیر ساخته و رهبری می نماید و هم القاعده و طالب را بازی می دهد تا بستر را برای حضور ارباب شان آماده سازند. زیرا مدیریت سیاسی پاکستان در جغرافیای کشورهای منطقه خود را وفادار به انگلیسها می داند تا به امریکا!

بناءً تلاش می نماید که در راستای ستراتیژی بزرگتر انگلیسها حرکت کند! آمدن غلام اسحق خان و حمایت از بی نظیر بوتو و هکذا تعیین لغاری همراه با فعل و انفعالات انجام شده در رابطه با تنشهای مربوط به اوضاع داخلی

پاکستان از عربها گرفته تا پشتونها، انگلیسها، پاکستانیها، امریکائیها، همه و همه همسو و هماهنگ علیه دولت بر خاسته از بستر جهاد گردید!

به عکس طالبان ساخته و پرداخته خودشان را که دست پروردگان مدارس دینی و اسلامی پاکستان بودند به نام فرشتگان صلح و امنیت آن هم به زعامت وزیر داخله بی نظیر بوتو، بابر قادیانی (همچون قاعد اعظم شش امامی که پیشوای تمام مسلمانان اعم از حنفی، مالکی، شافعی، جعفری و تندروهای دیو بندی به ظاهر اسلامی شده بود) به دوش می کشید تا جایی که عرصه را بر دولت اسلامی افغانستان تنگ نموده کابل را اشغال نمودند!

یادداشت:

بلافاصله باید بنویسیم که موضع پورتال در قبال "اداره های وابسته" که به اصطلاح از درون مقاومت رسمی افغانستان علیه شوروی بیرون شد، به هیچ وجه با مواضع نویسنده این اثر مطابقت ندارد.

اداره پورتال AA-A